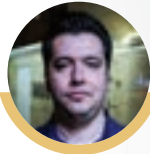


دلی تعدادی نوجوان از سال ۹۰ تا کنون است

ایران، هویت محله شریف



از جمع ده نفره نوجوانانی که در دهه ۷۰ گرد هم آمدند فقط موفق به گفت و گو با دو نفر می شویم. کسانی که از همان ابتدای راه اندازی هیئت پای کار بودند و امروز آوازه مراسم خیمه سوزانشان، طوری در سرتاسر شهر پیچیده است که خیلی ها در محدوده غرب شهر برای تماشای مراسم ظهر عاشورا راهی بولوار دندان پزشکان می شوند. عطا صفرلی، یکی از اعضای پای کار این مراسم، تعریف می کند: سال اول اجرا هیچ تبلیغی نکردیم. از مسجد سبحان، دسته عزاداری هیئت ماراه افتاد تا دندان پزشکان ۹ که به خاطر وسعتی که داشت، برای مراسم سوزاندن خیمه انتخاب و برای اجرای مراسم مهیا شده بود. جمعیتی از همسایه ها و محلی ها پشت سر هیئت ماراه افتاده بود. آن سال، چند نفر از بچه ها نقش اشقیارای ایفا می کردند و چفیه سرخ روی سر و صورتشان، نشان از بیزیدی بودنشان داشت. دیالوگ های مناسب آن مراسم را هم از دست نوشته های تعزیه خوان ها الگو برداری کرده بودیم. سال های بعد با اضافه شدن تماشاگران و علاقه مندان به این آیین، ما هم سعی کردیم برنامه پخته تر و بهتری را به نمایش بگذاریم و حالا در روزهای عاشورا چندین هزار سوگوار به تماشای مراسم می آیند.

او ادامه می دهد: در این سال ها، یک گروه تئاتر حرفه ای برای نمایش تعزیه خوانی به هیئت پیوسته و لباس و تجهیزاتمانند لباس، کلاه خود و شمشیر برای بهتر شدن کار تهیه شده است. حالا در نمایش خیمه سوزان، نقش های اشقیای سرخ پوش را حذف کرده ایم و نقش حضرت عباس (ع)، حضرت رقیه (س)، حضرت سکینه (س) و... اضافه و برای هر کدام، لباس خاص آن شخصیت تهیه شده است. اضافه شدن این نقش ها و اجرای مراسم تعزیه خوانی با حضور نوجوانان و جوانان، حس و حال بهتری به این مراسم بخشیده است. صفرلی از فضا سازی دشت کربلا می گوید: خاک اره هایی که در محدوده اجرا، زمین را خاکی رنگ می کند و نهر علقمه که شبیه سازی می شود تا صحرای کربلا در حد امکان تداعی شود.

میزبانی بزرگ اهالی در ظهر عاشورا

امروز خیمه سوزان مجمع حیدریون فقط یک مراسم مذهبی نیست؛ بخشی از هویت محله شریف است؛ آیینی که با همت چند نوجوان آغاز و با همراهی خانواده ها، همسایه ها و اهالی محله سال به سال بزرگ تر و پر شور تر شد. حالا ظهر عاشورا، هزاران نفر از نقاط مختلف مشهد، راهی این محله می شوند تا روایت مردمی عاشورا را از نزدیک ببینند. شاید راز ماندگاری این مراسم همین باشد؛ خیمه ای که با دست های یک محله دوخته شد، با همدلی همان محله برپا ماند و شعله هایش، هر سال، دل هزاران عزادار را در غرب مشهد به آتش می کشد.

سقف امن رفاقت خانه حاج محسن

وقتی نام «هیئت مجمع حیدریون و محفل رهروان شهدا» در محله شریف به میان می آید، در پس شکوه مراسم و خیمه سوزان، نامی وجود دارد که ستون پنهان این آیین است؛ مردی به نام محسن اطمینان. حاج محسن، معتمد و ریش سپید متواضع محله که مناعت طبعش اجازه گفت و گو و گفتن از خود را به او نمی دهد، حکایتی متفاوت از «معتمد بودن» دارد. او در محله شریف، نه فقط یک نام، که تکیه گاهی برای نوجوانان و جوانان محله است؛ کسی که معنای واقعی «حمایت» را در سکوت کارهای خیرش معنا کرده است.

داستان پانزده سال گذشته در خانه او، فراتر از یک چهار دیواری و سقف بالای سراسر است. حاج محسن از سال ۹۰ تا کنون زیرزمین خانه اش را در اختیار جوانان این هیئت قرار داده است تا جلسات هفتگی خود را در آنجا برگزار کنند. همچنین تمرینات اعضای شبیه خوانی این هیئت در این سال ها در این مکان برگزار شده است و به هماهنگی بهتر و نظم شایسته مراسم کمک شده است.

ریشه پا گرفتن این مراسم باشکوه به دورهمی های ساده چند نوجوان در پارکینگ یکی از مجتمع های مسکونی محله می رسد؛ آن پارکینگ در آن روزها نمازخانه محله بود.

نوجوانان دیروز محله شریف آن سال ها نه امکاناتی داشتند و نه پشتوانه ای؛ فقط دلی داشتند که برای امام حسین (ع) می تپید و آرزویی که سال ها بعد، به همت اعضای مجمع حیدریون و محفل رهروان شهدا، هویت عاشورایی محله شان را ساخت.

همه برای برپایی باشکوه مراسم، همراه شدند

آن زمان، نوجوان های مجمع حیدریون نمی دانستند که برای چنین مراسمی باید مراحل اداری و دریافت مجوز طی شود.

در نخستین مراسم خیمه سوزان در محرم سال ۹۲، نه هماهنگی ای با آتش نشانی انجام گرفت و نه مجوزی از کلانتری و شهرداری گرفته شده بود. خودروهایی انتظامی و آتش نشانی که از طرف بعضی همسایه ها خبردار شده و برای بررسی موضوع در محل حاضر شده بودند، وقتی فهمیدند برگزار کنندگان، جوانان محله هستند، به جای جمع کردن بساط تعزیه خوانی، برای تأمین نظم و ایمنی محله در کنار آن ها ماندند. حتی پاکبان با وجود اتمام ساعت کاری اش در محل ماند تا بعد مراسم در نظافت کوچه کمک کند. به گفته فرهمند، «این همراهی ها و اخلاص ها، انگیزه ای مضاعف و قوت قلبی شد برای او و دوستانش که برای ادامه مسیری که انتخاب کرده بودند، مصمم تر از گذشته قدم بردارند.»

